جناب آقا

**علیّ نجف آبادی**

**هو اللّه**

و از جمله مهاجرين و مجاورين جناب آقا علی نجف آبادی است \* اين جوان روحانی چون نداء ربّ غفور شنيد از جام طهور سرمست شد و پرتو ظهور مکلّم طور مشاهده نمود \* بعنايت نور مبين چون بعلم اليقين فائز گرديد بسجن اعظم شتافت و مشاهده انوار عين يقين کرد و برتبه بلند حقّ اليقين رسيد مدّتی مديد در ماحول مدينه مقدّسه الکاسب حبيب اللّه شد و در نهايت توکّل و تبتّل و تضرّع ايّام بسر ميبرد و بسيار شخص مظلومی بود و بی‌صدا و ندا و پر صبر و سکون اخلاق حميده داشت واطوار پسنديده \* جميع ياران از او راضی و خود او در درگاه احديّت مقبول و مرضيّ \* در اواخر ايّام چون احساس حسن ختام نمود بمدينه مقدّسه سجن اعظم حاضر شد بورود ضعيف و عليل گشت و شب و روز تضرّع بدرگاه ربّ جليل مينمود انفاس حيات منتهی گشت و ابواب صعود بملکوت اعلی مفتوح شد و از اين جهان خاک رو بگرداند و بجهان پاک توجّه کرد \*

حالت پر رقّتی داشت هميشه متنبّه و متذکّر بود و در اواخر ايّام بسيار منقطع گشت و از هر آلود‌گی مقدّس و منزّه بود \* در چنين حالت پر حلاوتی ترک لانه و آشيانه اين جهان نمود و خيمه و خرگاه در جهان بالا زد \* عطّر اللّه مشامه بنفحة قدسيّة من العفو و الغفران و نوّر بصره بمشاهدة الجمال فی ملکوت الجلال و روّح روحه بنسمات مسکيّة تعبق من ملکوت الابهی \* و عليه التّحيّة و الثّناء \* قبر طيّب طاهرش در عکا است \*